

در جلسه‌ی گذشته، درباره‌ی ماهیتِ صراط و ویژگی‌های آن، با توجه به آیات قرآن، صحبت کردیم. جمع-بندی ما از آن بحث این شد که: صراط در حقیقت، مرورِ اعمالی فرد و تجلیاتِ روح فرد است؛ حرکتِ فردِ مؤمن در صراط، مرورِ زندگی نورانی او است و آن چیزی که اصالت دارد، روح آن فرد است؛ به این معنا که آن چه که از جنات و غذاب در قیامت مشاهده می‌کنیم، در حقیقت، تجلیِ اعمالِ مومنین و کافرین است. بنابراین، براساس آنچه که از روایات و آیات فهمیدیم، صراط در حقیقت، مرورِ زندگی افراد است و همان‌طور که در جلسات پیشین عرض کردیم، این زندگی افراد، در واقع، در روح آنان مندرج است. لذا، آنچه که به عنوان حرکتِ بر صراط مشاهده می‌شود، تجلیِ آن اتفاقاتی هست که در روح آن فرد، وجود دارد.

در ادامه‌ی مباحثِ مرحومِ ملاصدرا

استطردا:

(و مما یشیر إلى أن صورة كل إنسان في الآخرة نتيجة عمله و غاية فعله في الدنيا قوله تعالى في حق ابن نوح ع «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»<sup>۱</sup> علی قراءه فتح المیم.

و في القرآن آیات كثيرة دالة علی أن كل ما یلاقیه الإنسان في الآخرة و یصل إليه من الجنة و ما فیها من الحور و القصور و الفواکه و غيرها و النار و ما فیها من العقارب و الحیات و غيرها لیست إلا غاية أفعاله و صورة أعماله و آثار ملکاته و إنما الجزاء هناك بنفس العمل باعتبار ما ینتهي إليه کقوله تعالى: «و لا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» و قوله تعالى: «إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup> لم یقل مما کنتم تعملون تنبیها علی هذا المعنی و قوله: «جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ».)

از جمله مواردی که اشاره می‌کند به اینکه صورتِ هر انسان در قیامت، در نتیجه‌ی عمل و فعل او در دنیا هست، این آیه‌ی شریف درباره‌ی پسر نوح علیه السلام می‌باشد: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ».

همان‌طور که اشاره کردیم، روح هر فرد معادل است با اعمالش و چیزی جز اعمالش نیست؛ کسی که معصیت می‌کند، صورتِ روح خودش را تیره و کدر می‌کند و این روح در طول دوره‌ی زندگی انسان، به تدریج، براساس اعمال، شکل می‌گیرد. تک تک افعالی که یک بنا برای ساختِ یک ساختمان انجام می‌دهد، تأثیر دارد در شکل‌گیری این بنا و وقتی در نهایت این بنا را مشاهده می‌کند، چیزی جز افعالِ خودش را که برای ساختِ آن انجام داده است، مشاهده نمی‌کند. این تمثیل را می‌توان در موردِ روح انسان در نظر گرفت: تک تک افعالی که ما انجام می‌دهیم، شکل و قیافه‌ی روح ما را مشخص می‌کند و در انتهای عمر انسان، این روح یک شکل نهایی پیدا می‌کند که همه‌ی اعمالِ انسان را می‌توان در آن دید. به همین خاطر است که خداوند هم می‌فرماید: «كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»<sup>۲</sup> یعنی، در نفسِ انسان، همه‌ی اعمالِ قابلِ مشاهده است و

<sup>۱</sup> آیه‌ی ۴۶ سوره مبارکه‌ی هود

<sup>۲</sup> آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء

بنابراین، روح انسان به واسطه‌ی این اعمال شکل می‌گیرد و وقتی روح انسان ساخته شد، همان کفایت می‌کند برای اینکه محاسبه را انجام بدهیم. هم‌چنین، روایات متعددی داریم که صراحتاً می‌فرماید هر عمل شما انجام می‌دهید، بر روی روح شما، اثر می‌گذارد.

علاوه بر این نکات، مرحوم ملاصدرا، یک آیه‌ی زیبایی را به عنوان شاهد مدعی خود، آورده است: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ». این آیه، توصیفی است که خداوند درباره‌ی پسر حضرت نوح علیه‌السلام بیان می‌کند: «او (پسرت) عمل غیر صالحی است». در قواعد عربی، برای فهم آیه، می‌گفتیم که در این آیه یک مضافی وجود داشته که حذف شده است و آیه در اصل این چنین بوده: «إِنَّهُ صَاحِبُ عَمَلٍ غَيْرٍ صَالِحٍ» یعنی «او صاحب عمل غیر صالح می‌باشد». اما، ما تاجایی که می‌توانیم، نباید چیزی را در تقدیر بگیریم و اصل، بر عدم تقدیر می‌باشد؛ لذا اگر امکان این وجود دارد که آیه را به صورت غیر تقدیری بخوانیم و معنا کنیم، باید همین کار را انجام بدهیم. بنابراین، در اینجا هم باید بگوییم معنای آیه، همانی است که در ابتدا کنیم؛ یعنی، در حقیقت، روح هر فرد، معادل عمل همانم فرد می‌باشد؛ زیرا در اینجا، پسر نوح را معادل و برابر عمل او دانسته است. طبق جمع‌بندی جلسه‌ی قبلی که عرض شد، صراط معادل شد با مرور کل زندگی افراد و اعمالی او. از طرف دیگر، دانستیم که کل اعمالی افراد، مساوی است با کل روح آن فرد. بنابراین نتیجه این می‌شود که صراط مساوی است با روح افراد. به همین خاطر است که عبور از صراط در برخی از روایات، این گونه توصیف شده است که مؤمنین مشاهده می‌شوند درحالی که نور زیادی از آن‌ها ساطع خواهد شد.

### نظر شیخ صدوق

قال الشيخ الصدوق في الإعتقادات: اعتقادنا في الصراط؛

- أنه حق
  - و أنه جسر على جهنم
  - و أن عليه ممر جميع الخلق قال الله تعالى: ﴿وَأِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا﴾<sup>۳</sup>
- و قال النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌لعلی‌علیه‌السلام: «يا علي! إذا كان يوم القيامة أقعد أنا و أنت و جبرئيل على الصراط و لا يجوز على الصراط إلا من كانت معه براءة بولايتك».

أقول: و من العجب؛

- كون الصراط و المار عليه و المسافة و المتحرك فيه شيئاً واحداً و هذا هكذا في طريق الآخرة التي تسلكها النفس الإنسانية فإن المسافر إلى الله أعني النفس تسافر في ذاتها و تقطع المنازل و المقامات الواقعة في ذاتها بذاتها

<sup>۳</sup> آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی مبارکه‌ی مریم

- ففي كل خطوة تضع قدمها على رأسها بل رأسها على قدمها  
و هذا أمر عجيب و لكن ليس بعجيب عند التحقيق و العرفان.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب اعتقادات خود، می گوید: اعتقاد ما در صراط این است:

- صراط حق است
- و پلی است بر روی جهنم
- و عبور کردن همه ی خلائق، بر روی این صراط است: «هیچ کدام از شما نیست مگر اینکه وارد آن (جهنم) می شود و این بر پروردگار واجب است»

در توضیح آیه ی مذکور:

واژه ی «ورود» با «دخول» در عربی، متفاوت است؛ درحالی که در زبان فارسی، این دو را معادل یکدیگر می گیریم. دخول در عربی، یعنی کاملاً داخل آن شی شدن؛ اما ورود یعنی در آستانه ی یک شیء قرار بگیریم. لذا اینجا که از واژه ی ورود استفاده کرده است، بدین معناست که همه ی انسان ها در آستانه ی جهنم قرار خواهند گرفت. اما در اینجا ممکن است این شبهه مطرح شود که آیا مؤمنین و متقین هم در آستانه ی جهنم قرار خواهند گرفت؟

این شبهه، با توجه به آنچه که در جلسات گذشته گفتیم، منحل است؛ به عبارت دیگر، اگر چنانچه نگاه شما یک نگاه کشف غطائی بشود، یعنی قیامت را در همین دنیا مشاهده کردی، شبهه هم دیگر معنا پیدا نمی کند. چون همه ی انسان ها و حتی مؤمنینی که در این دنیا هستند، در حقیقت در آستانه و شرف جهنم قرار دارند زیرا در آستانه ی گناه قرار دارند؛ و قیامت هم که چیزی جز همین دنیا نیست. بنابراین، وقتی مؤمنین در دنیا، در آستانه ی گناه و جهنم قرار دارند پس در حقیقت عالم، در روز قیامت هم در آستانه ی جهنم قرار گرفته اند. پس با نگاه کشف غطائی، دیگر این شبهه معنایی ندارد.

در ادامه، شیخ صدوق نکته ای را ذکر می کند که تعبیر ایشان، ممکن است امر عجیبی به نظر بیاد اما برای اهل تحقیق و عرفان، این چنین نیست: ما وقتی به روایات و آیات مراجعه می کنیم، مشاهده می کنیم که در یک تعبیر، صراط، مساوی فرد گرفته شده است، درجایی دیگر مساوی مسافت، عمل و... این موارد، در نزد اهل تحقیق و اهل عرفان، امر عجیبی نیست؛ زیرا، براساس آیات، ثابت کردیم که روح فرد، مساوی اعمال است و هم چنین، صراط هم مساوی اعمال است، لذا می توانیم بگوییم صراط هم همان عمل انسان است.

اما علاوه بر این مطالب، شیخ صدوق، روایتی را هم از رسول اکرم نقل می کند:

و قال النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: «يا علي! إذا كان يوم القيامة أقعد أنا و أنت و جبرئيل على الصراط

و لا يجوز على الصراط إلا من كانت معه براءة بولايتك».

پیامبر اکرم خطاب به امیرالمومنین فرمودند: «ای علی! هنگامی که قیامت رخ بدهد من و تو و جبرئیل، بر صراط می‌نشینیم و هیچ کسی بر صراط عبور نمی‌کند مگر کسی که به همراهش، امان-نامه‌ی ولایتِ تو باشد».

باید دقت داشت، اینکه رسول اکرم می‌فرماید «اگر قیامت بشود» را باید با دیدِ کشفِ غطائی نگاه کرد؛ یعنی در همین لحظه هم قیامت برپاست. هم‌چنین، از آنجایی که در این روایت، تنها بعضی از افراد می‌توانند از صراط عبور کنند، نشان می‌دهد که این صراط، یک صراطِ خاصی است. به عبارت دیگر، همان‌طور که در جلسات قبلی هم اشاره کردیم، یک حرکتِ قهریِ طبیعی دارند که مخصوص همه‌ی انسان‌ها است؛ اما می‌دانیم که علاوه بر این حرکت، یک حرکتِ دیگری مخصوص موحدین و مومنین هم وجود دارد که صعودی و رو به بالا است؛ و این حرکت، فقط یک کلیدِ ورود دارد که **ولایت اهل بیت** می‌باشد؛ به نحوی که هرچقدر این ولایت در فرد بیشتر تقویت بشود، صعودِ او هم، شدتِ بیشتری می‌یابد. لذا باید به این اشتراکِ لفظی که در خصوص واژه‌ی صراط وجود دارد، دقت داشته باشید. در بعضی از روایت آمده که همه‌ی مردم از صراط رد می‌شوند اما در بعضی دیگر، آمده است که فقط افراد موحد، متقی و مومن هستند که می‌توانند عبور کنند.